

# تذکرہ یحییٰ بن زینر

تألیف

ملا عبد النبی فخر الزمانی قزوینی

در ۱۰۲۸ هجری

باتصحیح و تنقیح و تکمیل تراجم

باہتمام

احمد کلین معانی

از انتشارات

شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبال و شرکا

نوروز - ۱۳۳۰

---

دو هزار نسخه از این کتاب در چاپخانه سپهر با سرمایه شرکت نسبی حاج

محمد حسین اقبال و شرکاء بسی و اهتمام احمد گلچین معانی از بهمنماه

۱۳۳۸ تا پایان اسفندماه ۱۳۳۹ بطبع رسید

حقوق طبع محفوظ است





تاز میخانه و می نانو نشان خواهد بود  
سر «با خاک ره پیر» نشان خواهد بود  
«حافظ»

## مقدمه مصحح

تذکره میخانه شامل تراجم احوال ساقی نامه سرایان و ساقی نامه های ایشانست که ملا عبدالنبی فخر الزمانی قزوینی در ۱۰۲۸ تألیف آنرا پایان برده و بسال ۱۹۲۶ میلادی در لاهور با اهتمام پروفیسور محمد شفیع بطبع سنگی رسیده است، بنده با نسخه چاپی این کتاب در سال ۱۳۱۵ شمسی آشنا شدم، در آن سال روزی بایکی از دوستان در کتابفروشیها میگشتم و دوست من یک نسخه از این کتاب دید و خرید، و منکه از نخستین روزهای شاعری علاقمند بمطالعه آثار و احوال شعرابوادم و از هر جا که تذکره بی دست میآمد بهر قیمت که بود میخریدم، هیچگاه موفق بیافتن نسخه دیگر از تذکره میخانه چاپ لاهور نشدم، تا آنکه در هشت سال قبل یک نسخه خطی خمس نظامی نصیبم شد که در اواخر قرن هشتم هجری نوشته شده بود و در نیمه دوم قرن یازدهم مولانا صائب تبریزی بعضی ابیات مشکل آنرا در حواشی شرح فرموده بود، نسخه موصوف مورد علاقه آندوست قدیم واقع شد و من هم از فرصت استفاده کرده برای تکمیل مجموعه تذکره های خود آن نسخه بسیار عزیز را با تذکره میخانه چاپ لاهور مبادله کردم،

غرض از تمهید این مقدمه آن بود که خواننده عزیز بداند برای من که از ۲۵ سال پیش با کتابفروشان سروکار داشته و در اغلب مزایده های کتاب شرکت جسته ام،

تحصیل یک نسخه میخانه چاپی میسر نگردید مگر بطریقی که مذکور افتاد و بهیچایی که تمام شد، و برای رفع همین مضیقه بود که تجدید طبع آنرا وجه همت قرار دادم تا ازین راه خدمتی انجام داده باشم،

در آن تاریخ یگانه نسخه خطی که ازین کتاب در ایران سراغ داشتم، نسخه کتابخانه ملی ملک بود، ولی از حسن اتفاق و از آنجا که نیت خیر داشتم چیزی نگذشت که یک نسخه خطی دیگر بدست آمد و دوست کریم و دانشمند من **آقای عبدالحسین بیات** آنرا خریداری کرده برای استفاده در اختیار نگارنده قرارداد،

از ملاحظه دو نسخه خطی و مقابله با نسخه چاپی چنین معلوم شد که مؤلف بعد از ۱۰۲۸ که سال ختم کتابست تجدید نظری در تألیف خود کرده و تغییراتی در آن داده است،

درین تجدید نظر که تاریخ آن معلوم نیست، هجده ترجمه دیگر بکتاب افزوده و بعضی از ساقی نامها را که در وهله اول بتلخیص و اختصار آورده بوده، بطور کامل ثبت کرده است، همچنین بعضی از ساقی نامها را که بعلت سوختن خانه اش در پتنه از بین رفته بوده، بعداً بدست آورده و بالتمام درج کرده است،

**پروفسور محمد شفیع** مقدمه جامعی راجع بتذکره میخانه و خصوصیات آن و سوانح زندگی مؤلف و تصنیفات و تألیفات دیگر او، و جمع و تلفیق ساقی نامها، و وصف خمروذ کرساقی در اشعار فارسی و عربی بزبان اردو بر نسخه چاپ لاهور مرقوم داشته اند که ترجمه فارسی آن در دنباله این مقدمه از نظر خوانندگان خواهد گذشت، و بنده توضیحات لازم و نظرات خود را بر مرقومه معظم له بعلاصت «گ» در ذیل صفحات درج کرده ام؛ بنابراین سخن را کوتاه میکنم و میپردازم به معرفی نسخ و روش تصحیح و ذکر اضافات و مزایای چاپ حاضر،

### معرفی نسخه ها

۱- نسخه بسیار خوب دوست بزرگوار دانشمند آقای عبدالحسین بیات، این نسخه که اساس طبع حاضر قرار گرفته است، سابقاً متعلق به مرحوم **سید عبدالرحیم خلخالی** بوده و خط و امضای آن مرحوم در حاشیه بعضی از صفحات

آن نمودارست،

از دیباچه این نسخه سه صفحه ساقطست و بدین بیت شروع میشود:

### لمؤلفه

ز سهم سنانش بروز مضاف  
نهد بر زمین چرخ از بیم، ناف  
قطع: ۱۹ × ۳۰ در ۴۴ صفحه و هر صفحه ۱۷ سطر، جلد می‌شش برنگ تریاکی  
روشن، کاغذ فستقی، خط نستعلیق و در اواسط کتاب چندین صفحه داغ سوختگی دارد  
که بعداً وصالی شده است،

رقم کاتب در پایان کتاب بشرح ذیلست:

«تمت الكتاب بعون الملك الوهاب بتاريخ روز جمعه نوزدهم شهر ذی قعدة سنة  
۱۰۷۱، احدى وسبعين و الف، على يد احقر الطالب كطكى بو قد (كذا) روى رى،  
والسلام،

در آغاز این نسخه ترجمه احوال **میر عبدالهادی ملهم کاشانی** و ساقی نامه او  
بقلم **میریدوشا گردوی معصوم کاشی** و در دنباله آن ساقی نامه **میر رضی آرتیمانی** بفاصله  
کمی از تاریخ اصل نسخه بخط و کاغذ جدا گانه الحاق گردیده و پس از آن بخط تازه تری  
**سحر حلال اهلی شیرازی** نوشته شده است،

چون **ملهم و میر رضی** معاصر صاحب **میخانه** بوده اند و ساقی نامه **میر رضی** از  
ساقی نامه‌های خوب و مشهورست، ترجمه و ساقی نامه آن دو در آخر **میخانه** بعنوان  
«**ملحقات**» بطبع رسیده و منظومه **اهلی** که بدفعات هم چاپ شده است چون ساقی نامه  
نبود در **ملحقات** نیامد، ولی اگر عمری باشد و خداوند توفیق عنایت فرماید ساقی نامه  
**اهلی** که بصورت یکصد و دو رباعی گفته شده است در **ذیل میخانه** که در دست تألیفست  
درج خواهد شد،

۲- نسخه کتابخانه ملی ملک بشماره ۴۲۵۷،

این نسخه سیزده صفحه از اول و شش صفحه از آخر را فاقدست، و بجز یکی دو  
صفحه دیگر که از اواسط آن افتاده است دیگر نقصی ندارد و نسخه خوب و مضبوطیست،

قطع: ۱۲×۲۷ در ۶۶۴ صفحه و هر صفحه ۱۸ سطر، جلد میشن قرمز، کاغذ  
فستقی، خط نستعلیق و تاریخ تحریر آن در حدود اوایل قرن یازدهم یا اوایل قرن دوازدهم  
هجریست، و از حیث خط بهتر از نسخه آقای بیات است،

متأسفانه نسخه‌های پروفیسور محمد شفیع هم مانند عددی نسخه ما قسمتی از  
دیباچه را فاقد بوده، ولی این تقیصه با استفاده از نسخه شماره ۴۳۲۸ نور عثمانیه استانبول  
که متعلق به هزار و دویست یا کمی قبل و بعد از آن تاریخست، بهمت والای استاد عالیقدر  
آقای مجتبی مینوی دامت افاضاته مرتفع گردید،

### روش تصحیح

در مقابله و تصحیح نشر کتاب، بیشتر نسخه آقای بیات اساس قرار داده شده است،  
مگر در جاهایی که تحریر و تصحیفی از قلم کاتب سرزده و یا از نقاط سوختگی کتاب بوده  
که درین موارد نسخه کتابخانه ملک اساس کار قرار گرفته و اختلاف قراءات نسخه‌های  
خطی و چاپ لاهور حتی نسخه بدایای چاپ مزبور در ذیل صفحات نشان داده شده است،  
در مورد اشعار، حتی المقدور از دواوین صاحبان تراجم و سفینه‌های اشعار  
استفاده شده و در مقابله بکار رفته است، مشخصات اینگونه نسخه‌ها در نخستین مورد  
استفاده مذکور افتاده است.

### علائم اختصاری

ب: نسخه آقای بیات

م: « کتابخانه ملک »

چ: « چاپ لاهور »

ش: حواشی بقلم پروفیسور محمد شفیع بر چاپ لاهور

گ: حواشی بقلم گلچین معانی

رک: رجوع کنید

---

۱- حواشی ایشان بر چاپ لاهور شامل دو قسمت است (فارسی وارد) و ما هر جا که برای  
تراجم رجال سیاست و ادب از ماخذ معتبر عصری اطلاعات کاملتر و دقیقتری بدست آورده‌ایم از حواشی  
فارسی ایشان چشم پوشیده و بقیه را نامضای خودشان نقل کرده‌ایم،



## اضافات و مزایای چاپ حاضر نسبت بچاپ لاہور

الف : تراجم احوال شعراء

- ۱ - عتایی تکلوا ۲ - افضلخان دکنی (فسونی) ۳ - محمد باقر خردہ کاشانی
- ۴ - میر نظام دستغیب شیرازی ۵ - میرزا ابوالحسن فراہانی ۶ - رشکی ہمدانی
- ۷ - طبعی کنی ۸ - نشانی دہلوی ۹ - دیری کابلی ۱۰ - وجودی شیرازی ۱۱ - شیخ صالح تبریزی ۱۲ - میر تشبیبی کاشی ۱۳ - مظفر حسین کاشی ۱۴ - ابراہیم فارسی
- ۱۵ - میر عارفی موسوی ۱۶ - احوالی سیستانی ۱۷ - غفور عصری ۱۸ - محمد طنپورہ .

ب : ساقی نامہا و ترجیعات و ترکیبات

چاپ لاہور	چاپ حاضر	ساقی نامہ ہاتھی
۷۵ بیت	۸۱ بیت	عرفی
۴۳	۹۸	نوعی خوبوشانی
۲۹۷	۳۴۳	شکیبی اصفہانی
۱۰۶	۱۲۹	میرسنجر کاشی
۷۸	۵۶۹	ظہوری ترشیزی
۸۵۰	۹۲۵	صفی صفاہانی
۲	۸۴	عتابی تکلوا با ایات دیگر
-	۱۱۳	صوفی مازندرانی
۲۲۱	۲۸۳	حکیم رکنا
۲۱۵	۲۱۵	
۴۵ بیت	باضافہ ۹۹ بیت ترکیب بند	ترکیب بند حکیم شفائی
۴۵ بیت	۴۵ بیت	
-	باضافہ ۸۴ بیت ساقی نامہ	ساقی نامہ طالب آملی
-	۳۲۴ بیت	محمد باقر خردہ
-	۱۹۲	

چاپ حاضر	چاپ لاهور	
بیت ۱۶۷	- بیت	ساقی نامہ نظام دستغیب
« ۹۴	« -	ترجیع بند نظام دستغیب
« ۱۷۶	« ۱۰۷	ساقی نامہ میرغروری کاشی
« ۸۷	« ۳	« محبعلی سندی
« ۱۲۵	« -	« اسد بیگ قزوینی
بیت جزء حواشی است ۱۲۵	« -	ترکیب بند نظیری
« « « ۱۲۱	« -	ساقی نامہ حیاتی گیلانی
« « « ۷۴	« -	ترجیع بند قدسی مشہدی

ج : ترجمہ های تفصیلی و تکمیلی کہ از ماخذ دست اول عصری

گرفته شده و در حواشی مذکور است:

- ۱ - امیر خسرو دہلوی ۲ - امیر ہمایون اسفراینی ۳ - خواجہ حافظ شیرازی (درین مورد تکملہ حواشی نیز ملاحظہ شود) ۴ - خواجہ آصفی ۵ - شہیدی قمی
- ۶ - حکیم پرتوی ۷ - امیددی طہرانی ۸ - میرزا شرفجہان قزوینی ۹ - میرزا حسابی نظری ۱۰ - ضمیری اصفہانی ۱۱ - اکبر پادشاہ ۱۲ - جہانگیر پادشاہ
- ۱۳ - میرزا قوام الدین جعفر آصفخان ۱۴ - خواجہ حسین ثنائی مشہدی ۱۵ - محمد عرفی ۱۶ - اقدسی مشہدی ۱۷ - فیضی دکنی ۱۸ - ابوالفضل علامی ۱۹ - نوعی خبوشانی ۲۰ - بزمی ۲۱ - میرزا غازی وقاری ۲۲ - انیسی شاملو ۲۳ - خانخانان ۲۴ - شکیبی اصفہانی ۲۵ - صحیفی ذوالقدر ۲۶ - ملک قمی ۲۷ - ظہوری
- ترشیزی ۲۸ - ابوتراب بیگ فرقتی ۲۹ - آقا صفی صفاہانی ۳۰ - حکیم فغفور لاهیجی ۳۱ - محمد صوفی مازندرانی ۳۲ - حکیم رکنا ۳۳ - حکیم شفائی ۳۴ - شاپور طہرانی ۳۵ - طالب آملی ۳۶ - مرشد بروجردی ۳۷ - محمد باقر خردہ کاشانی
- ۳۸ - حکیم عارف ایگی ۳۹ - میرزا نظام دستغیب ۴۰ - میر دوستی سمرقندی ۴۱ - میرغروری کاشی ۴۲ - کامل جہرمی ۴۳ - محبعلی سندی ۴۴ - سوسنی «مہابتخان»
- ۴۵ - امان اللہ امانی ۴۶ - نظیری نیشابوری ۴۷ - رسمی قلندر ۴۸ - شراری

همدانی ۴۹ - حیاتی گیلانی ۵۰ - حاجی محمد جان قدسی ۵۱ - شیخ شاه نظر  
 قمشهی ۵۲ - نادم گیلانی ۵۳ - رشکی همدانی ۵۴ - دیری کابلی ۵۵ - باقیای  
 نسایی ۵۶ - رستم میرزای صفوی ۵۷ - میر تشبیهی کاشی ۵۸ - شرمی قزوینی  
 ۵۹ - مظفر حسین کاشی .

د: تراجم مختصر و تواریخ: یکصد و سی شش مورد

ه: توضیحات و اظهار نظرها: یکصد و شصت و هشت مورد

و: معرفی شهرها و دیهها: (در فهرست با حروف ۱۲ سیاه نشان داده شده است)

ز: شرح لغات و اصطلاحات: (فهرست جداگانه دارد)

ح: فهرست نام نغمات و آلات موسیقی و متعلقات آن

ط: اشعار منتخب از دو اوین و سفاین: دوهزار و ششصد بیت

### الفضل للمتقدم

بطوریکه قبلاً اشارتی رفت و در دنبال اینمقال بتفصیل ملاحظه خواهید فرمود،  
 در ۳۵ سال پیش استاد دانشمند پروفیسور محمد شفیع دامت افاضاته با در دست  
 داشتن دو نسخه ناقص و مغلوط و فراهم نبودن وسائل امروزی در تصحیح و تنقیح و  
 تحشیه این کتاب دقیقه‌یی فروگذار نفرموده‌اند، و با اینکه نسخه چاپ لاهور مشحون  
 از اغلاط است، معذالك انصاف باید داد که عیب کار از نسخه‌های ناقص و مغلوط ایشان  
 بوده و فضل تقدم در طبع و انتشار ایسن تذکره بسیار عزیز نصیب آن وجود شریف  
 است، و اگر چه طبع حاضر نسبت بطبع سابق اضافات و مزایای بسیار دارد، و در  
 نگارش حواشی و تعلیقات از مأخذ و منابع دست اول عصری استفاده شده است، همه  
 اینها در قبال مساعی جمیله آن استاد ارجمند که در این راه پیشقدم بوده‌اند هیچست  
 و من بنده را اگر در راه این خدمت توفیقی حاصل شده است. چون در اقتضای  
 معظم له رفته و بایشان اقتدا کرده‌ام، همچنان این موفقیت را مدیون ایشانم و هر  
 افتخاری که از حاصل اینکار سنگین و زحمت چندین ساله بدست آورم، از راه سپاسداری  
 و حقگزاری با کمال فروتنی در پای مبارک آن استاد جلیل و فاضل نبیل نثار میکنم  
 و از حضرتشان التماس دعای خیر دارم.



درخاتمه از استادان دانشمند و دوستان گرامی آقایان : عبدالحسین بیات ، محمود فرخ خراسانی ، دکتر مهدی بیانی ، حسین پرتویضائی ، و بالآخر احمد سهیلی خوانساری که نسخه‌های عزیز و نفیس خطی خود را بمنظور پیشرفت کار من در اختیارم قرار دادند ، صمیمانه سپاسگزارم و سلامت و سعادتشان را از خداوند مسألت میدارم .

از دوست عزیز آقای **جواد اقبال** که دزین تنگی کاغذ و گرانی چاپ سرمایه خود را برای طبع این کتاب بکار انداخت ، همچنین از کارکنان دقیق چاپخانه سپهر بخصوص آقای **هوشنگ نوروزی** مراتب تشکر و سپاسگزاری خود را ابراز میدارم ،

### تذکار

- ۱- در سراسر این کتاب و نسخ دیگر هم‌عصر آن مانند عرفات و خلاصه الاشعار که مورد استفاده ما بوده «چنانچه» بجای «چنانکه» بکار رفته است .
  - ۲- با کمال دقتی که شده است در پارچه‌بی موارد همزه مکسور درین کتاب دیده میشود که قاعده بایستی بدون کسره باشد، چون اشکال فنی در کار بوده و گناه از جانب مصحح نیست ، خوانندگان محترم خواهند بخشید .
  - ۳- نقطه‌هایی که زیر ماشین شکسته شده است در غلطنامه کتاب ذکر نشده زیرا که این شکستگی شامل قسمتی از نسخه‌ها بوده است نه هر دو هزار نسخه .
  - ۴- از خوانندگان گرامی تقاضا دارم که پیش از مطالعه از روی غلطنامه اغلاط کتاب را تصحیح فرمایند .
- طهران ، بتاريخ شنبه پانزدهم بهمن ماه سال یکهزار و سیصد و سی و نه شمسی برابر با هجدهم شعبان سال یکهزار و سیصد و هشتاد و هجری قمری .

احمد حسین معانی

مقدمه پروفیسور محمد شفیع بر چاپ لاهور: (۱)

## تذکره میخانه و مؤلف آن

باید دانست که در زبان فارسی تذکره شعراء بسیار نوشته شده است ، ولی تذکره میخانه خصوصیاتى چند دارد ، که در تذکره های دیگر نیست ، باوجود این تذکره میخانه و همچنین مؤلف آن ، عشر عشر شهرتى را که مستحق آن بوده است نیافته ، حتى انه هم نام آنرا نمیدانسته ، (۲)

در خزائن مخطوطات اروپا و هندوستان چندانکه فهرست دیدیم ، نامى از میخانه برده نشده بود ، بجز اینکه در فهرست مونیخ (ص ۳۷) در يك نسخه خطى دیوان عرفى شیرازى « احوال عرفى شیرازى » از « میخانه عشاق عبدالنبى » نقل شده است ، در هیچ تذکره یا تاریخ ، کتاب و اسم مؤلف آن ذکر نشده است ، بجز تاریخ محمدشاهی معروف به نادرالزمانى که در چند سطر آن ذکر مؤلف باجمال آمده است ، و دوبیت از ساقى نامه او نقل شده ، (۳)

---

(۱) اصل این مقدمه بزبان اردو نوشته شده و ترجمه آن از دوست کرامى آقای حسنین کاظمى پاکستانى است که ایشان تفریر و بنده تحریر کرده ام ، گ

(۲) انه در گروندرس از ۵۱ تذکره و تاریخ و غیرها نام برده که در آنها حالات شعراء مندرجست ، ش

(۳) در سال ۱۳۳۷ تاریخ ادبیات فارسى تألیف هرمان انه را استاد محترم آقای دکتر رضا زاده شفق ترجمه کردند و از طرف بنگاه ترجمه و نشر کتاب در چاپخانه بانک ملی ایران بطبع رسید ) گ

(۳) در تاریخ محمدشاهی معروف به نادرالزمانى تألیف خوشحالچند ذکر مؤلف چنین آمده است :

عبدالنبى فخرالزمانى از قزوینست ، در آغاز بهار جوانى هرای کلکت هندوستان

بقیه در صفحه بعد

البته خدا جزای خیر دهد **مولانا شبلی** مرحوم را که او غالباً پیشتر از همه در جلد اول **شعر العجم** توجه خوانندگان را بتذکره **میخانه** جلب کرده است، و در ترجمه احوال **خواجه حافظ شیرازی** و **طالب آملی** از آن استفاده کرده است<sup>(۴)</sup> و **پروفسور براون** هم بوسیله **شعر العجم** از بعضی مضامین **میخانه** اطلاع حاصل کرده است.

بنابراین بی مناسبت نیست که راجع بمؤلف **میخانه** و **میخانه** اطلاعی که پیدا کرده ایم بتفصیل بیان کنیم.

### سوانح حیات ملا عبدالنبی مؤلف میخانه

مؤلف در پایان مرتبه دوم **میخانه** حالات خود را بتفصیل بیان کرده است، و در کتاب در جاهای دیگر هم راجع بخود اشاره کرده است، (نگاه کنید فهرست اول بذیل **فخر الزمانی**) لهذا با استفاده از اقوال مؤلف اهم واقعات زندگی او را ذیلاً درج می نماییم:

**ملا عبدالنبی** در **قزوین** متولد شده، پدر او **خلف بیگ** در **قزوین** تجارت میکرده و شخصی صوفی مشرب بوده از سفر حج که برگشته تارک دنیا شده و درویشی اختیار کرده و در اواخر سنه ۱۰۰۱ هجری در **قزوین** بطاعون در گذشته است.

بقیه از صفحه قبل

جنت نشان درسش افتاد، از وطن برآمد، نوادر الحکایات از تألیفات اوست، بسبب قرابتی که با **نظام الدین احمد مؤلف طبقات اکبری** داشت! یکچندی با او بود، در فقه خوانی و نکته دانی عدیل نداشت» ش

( **طبقات اکبری** تألیف **خواجه نظام الدین احمد پسر خواجه مقیم هروی** است که در ۲۲ صفر ۱۰۰۳ در گذشته است. وی تا آخر سال سی و هشتم اکبری مطابق سنه ۱۰۰۲ هجری وقایع و احوال هندوستانرا بتحریر آورده و چون وقت بسیار در تنقیح اخبار و سعی تمام بفراهم آوردن مواد بکار برده و مثل **میره حصوم بهکری** و غیره از ارباب کمال در تألیف آن دستیار وی بوده اند، اعتبار تمام دارد، و این اول تاریخی است که احوال جمیع سلاطین اسلام سواد اعظم هندوستان را شاملست، ترجمه این مؤلف در **مآثر الامراء** (ج ۱ ص ۶۶۰ تا ۶۶۲) بتفصیل مندرجست و او غیر از **میرزا نظامی قزوینی** است که دیوان صوبه بهار و واقعه نویسی در گاه جهانگیری بوده و با مؤلف **میخانه** خویشاوندی داشته است، **جناب پروفسور محمد شفیع** نیز اینمعنی را دریافته و اشارتی اجمالی درینباب کرده اند) گ

(۴) رک: **شعر العجم** ترجمه آقای **فخر داعی** ج ۲ ص ۱۶۵ و ج ۳ ص ۱۵۱، گ

**فخرالزمان** که جد مادری **عبدالنبی** و از اولاد **خواجه عبدالله انصاری** است، مردی فاضل و موزون طبع بوده و منصب قضای قزوین تعلق باو داشته است،<sup>(۱)</sup> **عبدالنبی** در **قزوین** بزرگ شد، و بسن<sup>۲</sup> رشد و تمیز رسید، از اوائل عمر ذوق و شوق شعر گویی داشت و اکثر در صحبت شعرا میگذرانید، در آن زمان عزتی تخلص میکرد، مثل شعر در قصه دانی هم ملکه داشت، حافظه او آنقدر قوی بود که **قصه** **امیر حمزه** را یکبار شنید و حفظ کرد،

در نوزده سالگی<sup>(۳)</sup> بزیارت **مشهد مقدس** رفت، در آنجا یکماه اقامت داشت، هندوستانیانی که بمشهد آمد و شدداشتند، چندان تعریف **هند** کردند تا او مشتاق سفر شد<sup>(۴)</sup> و در اواخر سنه ۱۰۱۷ از راه **قندهار** بیمار و نزار به **لاهور** رسید، (نگاه کنید میخانه ص ۷۶۱ س ۱۱) و بعد از چهارماه ترقف در **لاهور** در سنه ۱۰۱۸ بدار الخلافه **آگره** رسید،<sup>(۴)</sup>

**میرزا نظامی** که از خویشاوندان او بود، در آن ایام بواقع نگاری در گاه جهانگیری اشتغال داشت، و چنین وانمود که **عبدالنبی** قصه خوان منست، و وی بسبب تمرین در قصه گویی درین فن بکمال مهارت رسید،

در ۱۰۲۲ بوساطت هموطن خویش، در **اجمیر** بملازمت **میرزا امان الله** پسر **مهتاب خان** رسید، و چون **میرزا طبع** نظم داشت<sup>(۵)</sup> **عبدالنبی** مجدداً بشاعری پرداخت و چون **میرزا** او را بکتابداری خویش مقرر کرده بود، باینجهت وقت مطالعه بسیار داشت، در همان زمان او از کتابهای نظم و نثر انتخاب کرده و طرح سه کتاب ریخته بود، که تفصیل آن بعداً خواهد آمد، وی بهمین کار مشغول بود که مبتلا بیک بیماری بدنام کننده شد، و از ترس بدنامی روانه **لاهور** گردید، این واقعه در اواسط سال ۱۰۲۴

(۱) مؤلف بمناسبت نام جد مادری خویش، خود را **فخرالزمانی** مینویسد، ش

(۲) ازینرو تولد مؤلف در سنه ۹۹۸ واقع شده است، ش

(۳) درینوقت از جلوس **جهانگیر** تقریباً سه سال گذشته بود، و درین دوره جدید در **هندوستان** و خارج آن چه امیدها که پیدا نشده بود، ش

(۴) میخانه ص ۷۶۱ س ۱۲ و ص ۹۱۹ س ۱۰، ش

(۵) **امان الله امانی** تخلص صاحب دیوانست و دیوان او در بعضی از کتابخانه های اروپا موجود میباشد، ش

برای ترجمه او و پدرش **رك** بمیخانه ص ۷۶۲ و ۷۶۵، گ

رخ داد، در اوائل سال ۱۰۲۵ به لاهور رسید، در لاهور آنروزها طاعون بسیار شدت داشت، بنابراین فوراً به کشمیر روانه شد، چون خویشاوند او میرزا نظامی بخشی و دیوان کشمیر بود، در ایام اقامت کشمیر کتاب **دستور الفصحاى** خود را از سواد بیاض برد، در اواخر سال ۱۰۲۶ تقریباً بعد از دو سال اقامت در کشمیر با میرزا نظامی به ماندو آمد، و یکماه در آنجا توقف کرد، و در آن ایام میرزا را از ماندو بدیوانی صوبه بهار فرستادند، مؤلف هم همراه میرزا بهار رفت و در سال ۱۰۲۷ به پتنه رسید،<sup>(۱)</sup> و بظاهر چندی با میرزا در آنجا بسربرد.

در سال ۱۰۲۸ او در پتنه بود که نزد سردار خان خواجه یادگار<sup>(۲)</sup> برادر عبدالله خان فیروز جنگ تقرب یافت، خان موصوف به عبدالنبي آنقدر احسان کرد که او میخانه را بنام وی موشح ساخت، او ساقی نامه خویش را هم در پتنه بنام سردار خان پایان برد، در ساقی نامه نبی تخلص کرده است،

در ۱۰۲۹ که در پتنه مقیم بود، خانه اش آتش گرفت و مقداری از مسودات او طعمه حریق شد<sup>(۳)</sup> در همان سال به آگره هم رفت، چنانکه از کتاب **نوادرا الحکایات** معلومست، و بعد از آن از حال وی اطلاعی از هیچ مأخذ در دست نیست، بجز اینکه او در ۱۰۴۱ هنوز زنده بوده و در همان سال دیباچه **نوادرا الحکایات** را نوشته (فهرست ریو ص ۱۰۰۴)

در ساقی نامه خویش وی آرزوی بازگشت به ایران را با جوش و خروش بیان کرده است، ولی معلوم نیست که این آرزوی او تحقق یافته است یا نه، تاریخ وفات

(۱) نگاه کنید میخانه ص ۹۱۸ س ۴، ش

(۲) این خطاب بخواجه در ۱۰۲۲ داده شده بود، (ترجمه توزک ۱: ۲۳۷) ش روز سوم اردیبهشت (سال ۱۰۲۲) خواجه یادگار برادر عبدالله خان (فیروز جنگ) از گجرات آمده ملازمت کرد، یکصد مهر جهانگیری نذر گذراندید، بعد از چند روز که در ملازمت بود بخطاب سردار خانی سرفرازی یافت،

«توزک جهانگیری ص ۱۱۷ س ۵» گ

جهانگیر نوشته است که در تاریخ ۲ خرداد ۱۰۲۸ يك خلعت و يك فيل و يك اسب به سردار خان عنایت شد و سرکار منگیر که در صوبه بهار و بنگال است بجاگیری داده شد، و او را بدان صوب مرخص کرد، (ترجمه توزک ۲: ۸۹) ش «توزک ص ۲۷۳ س ۱۷» گ

(۳) نگاه کنید میخانه ص ۴۳۰ س ۲۰ و ص ۸۸۶ س ۲، ش



مؤلف هم از هیچ مأخذ بدست نیامد،

### قصه‌دانی و شاعری ملا عبدالنبی

از شرح مختصر زندگی **ملا عبدالنبی** که مذکور افتاد<sup>(۱)</sup> معلوم میشود که وی برای تحصیل علم وقت کافی نداشتند، او هنوز در آغاز شباب بوده که عازم هندوستان گردیده و در آنجا گرفتار ملازمت و خدمت شده، ولی او بما گفته است که از اوائل حافظه‌اش خیلی قوی و فوق‌العاده بوده و برای همین بوده که در قصه‌دانی مهارت پیدا کرده و به هند رفته و در آنجا بظاهر قصه‌دانی را ذریعۀ معاش خویش قرار داده است،<sup>(۲)</sup> مؤلف متذکر شده است که علاوه بر قصه‌دانی از آغاز ذوق و شوق شعری داشته، در **میخانه** او ساقی نامۀ دو بیست شعری درج کرده و در همین کتاب بطور پراکنده بیست و بیست و پنج شعر از خود نقل کرده است، علاوه بر بن او میگوید که تا ۱۰۲۸ هزار و پانصد شعر ساخته است، ولی بجز اشعاری که در **میخانه** محفوظ مانده در جای دیگر از وی شعری ندیده‌ام، اگر چه این درستست که او من حیث المجموع یک شاعر معمولی و صاف گو هست، ولی بسبب نامعلومی، **عبدالنبی** و تالیفات و تصنیفات او عموماً در معرض خفا واقع شده و در هیچ‌جا هم ذکر ازین بمیان نیآورده است که دیوانی ترتیب داده باشد،

### تصنیفات و تالیفات ملا عبدالنبی

قسمت مهم زندگی مؤلف از کتابداری **میرزا امان‌الله** شروع میشود، ذوق و شوق شاعری او در صحبت **میرزا امان‌الله** که خود شاعری صاحب‌دیوان بوده، بکار افتاده و علاوه برین در منصب کتابداری او فرصت مطالعه نیز یافته است، و درین شکی نیست

---

(۱) مؤلف راجع بمذهب خویش بالصراحه ذکر کرده است، ولی گمان میرود که شاید مذهب امامیه داشته و رفتن زیارت **مشهد مقدس** در عنفوان شباب و جمع‌آوری اشعار ساقی نامها در مدح **ساقی کوثر حضرت علی و امام رضا علیهما السلام** و بسیاری قصص شمره که از حضرت **علی** استمداد کرده بودند و در **میخانه** ذکر شده است، تأیید میکند گمان ما را بر تشیع او، اما بظاهر مؤلف تعصب مذهبی نداشته همانطور که درص ۷۸۱ س ۱۹ از طرز بیان او ظاهر میشود، ش

(۲) درص ۷۸۲ س ۱۸ او به مدوح میگوید:

توسرور نژادی و من قصه‌خوان

فلک قدرتا اندرین خاکدان

که او ازین موقعیت خیلی استفاده کرده است،  
در همان ایام ذوق و شوق تألیف و تصنیف درو پیدا شد و خیلی زود دریافت که  
شعروسیله شهرت او نمیشود، و فقط «اخبار ارباب دولت» و «اذکار اصحاب طبیعت» و  
کلام آنها ذریعه شهرت او ممکن است بشود، لهذا او طرح تألیف سه کتاب که در ذیل  
مندرج میشود ریخت،

۱- **دستور الفصحاء** : این کتاب مربوط بقرن مؤلف در باب قصه گویبست، در  
این کتاب او پیروی از قصه حمزه و آداب آن، دستور العمل برای قصه خوانان درست  
کرده است،<sup>(۱)</sup>

این معلومست که **اکبر شاه شائق داستان امیر حمزه** بود، لهذا برای تکمیل  
این ذوق و شوق بفرمان او داستان امیر حمزه را بطرزی جالب و زیبا با تصاویر ساخته  
و پرداخته بودند،<sup>(۲)</sup> از بیان **عبدالنبی** معلوم میشود که در عهد جهانگیری هم امراء  
باین داستان علاقمند بودند، هیچ نسخه‌یی از **دستور الفصحاء** معلوم نیست،

۲- **نوادرا الحکایات یا بحر النوادر** : درین کتاب مؤلف «حکایات شیرین و  
نقلهای رنگین» جمع کرده است، این کتاب بظاهر در ۱۰۴۱ تکمیل شده است، یک  
نسخه ازین کتاب در **بریتیش میوزیم** هست، (نگاه کنید ریو ص ۱۰۰۴ ب) در دیباچه  
آن کتاب نوشته است که این کتاب در پنج مجلد است،

۳- **میخانه** : درین کتاب مؤلف ساقی نامهای متقدمین و متأخرین را با حالات  
شعرا درج کرده است، و اینک ما کتاب اخیر الذکر را بتفصیل درینجا بیان میکنیم:

### میخانه

نخستین کار مؤلف تألیف و تکمیل کتاب **میخانه** بوده است، برای اینک اهل زمانه

---

(۱) در ص ۷۷۰ س ۱۲ میخانه مؤلف تاریخ اتمام کتاب **دستور الفصحاء** را «دستور بانجام  
رسیده» نوشته است که از آن تاریخ ۱۰۴۱ استخراج میگردد، ولی از فرینة عبارت معلوم میشود که انجام  
دستور در ۱۰۲۵ یا ۱۰۲۶ واقع شده است، و علاوه برین در فاصله ۱۰۲۹ تا ۱۰۴۶ هیچ تاریخ در میخانه  
ذکر نشده است و در نسخه «ر» هم که در ۱۰۳۹ نقل شده این ماده همینطور درجست، بنابراین در این ماده  
تاریخ غلطی معلوم میشود، ش

(۲) نگاه کنید اورینتال کالج میگزین بابت ماه نوامبر ۱۹۲۵ و فوریه ۱۹۲۶، ش

بساقی نامها رغبت وافر نشان میدادند، (میخانه ص ۷۶۹ س ۱۰) ازینرو غالباً در ۱۰۲۳ یا ۱۰۲۴ وقتی که او در **جمیر** مقیم بود بتألیف این کتاب پرداخت (نگاه کنید ص ۷۶۹ س ۱۲) در مدت یکماه او پانزده ساقی نامه با شرح حال گویندگان ترتیب داد، در اثنای اینکار که برای جمع آوری ساقی نامها تلاش میکرد، دوچار يك بیماری خطرناك گردید و مجبور شد که به **کشمیر** برود،

در **کشمیر** بظاهر برای فراهم آوردن مواد تألیف دست و پا میکرد، چنانکه در ۱۰۲۸ از آنجا به پتنه رفت، و موادی که در مدت پنجسال جمع آوری کرده بود، در دو مرتبه ترتیب داد، و غالباً در همان سال اول کتاب را در پتنه مکمل کرد،<sup>(۱)</sup> چنانکه از تاریخ اتمام کتاب (ص ۹۲۴) معلوم میشود. نیز ازین امر معلوم میشود که مؤلف عموماً ذکر ۱۰۲۸ را با سال حال یا «لغایه» کرده است،<sup>(۲)</sup> ولی در ۱۰۲۹ مصنف دو ساقی نامه دیگر اضافه کرده است (نگاه کنید ص ۶۸۷ س ۱۴ نیز نگاه کنید ص ۸۷۲ س ۲۲) و بظاهر در دیگر مقامات هم تبدیل و تغییری داده است،<sup>(۳)</sup>

مؤلف این کتاب را که «حاصل عمر» خود میداند، میخواست است که «مجموعه اخبار و بیاض سخن» قرار دهد (ص ۹۲۴) بطور کلی این کتاب مشتمل بر هفتادویک ترجمه میباشد<sup>(۴)</sup> از شعرائی که ترجمه آنها درین کتاب آمده است، ده شاعر قبل از

(۱) رك: ص ۶۸۶ س ۲۱، و ص ۷۷۱ س ۱۰، گ

(۲) مثلاً نگاه کنید ص ۵۰۴ س ۲ و ص ۶۳۶ س ۱۰ و ص ۶۶۳ س ۳ و ص ۸۸۵ س ۲۲ نیز نگاه

کنید ص ۸۴۶ س ۳، ش

و نیز ص ۷۷۱ س ۹ و ص ۸۰۵ س ۶ و ص ۸۱۹ س ۷، گ

(۳) رك: ص ۴۳۰ و ص ۷۳۸، گ

(۴) هر دو نسخه خطی که ما داشته ایم تراجم مزبور را شاملست، که تفصیل آنها خواهد آمد، درین تعداد **میرزا جعفر آصفغان** و **میرحیدر معمانی** نیامده اند، زیرا که بطور مستقل

ترجمه آنها نیامده و در ذیل ترجمه دیگران مذکورست، ش

چاپ حاضر ترجمه ۹۰ شاعر را شاملست، مرتبه نخستین ذکر بیست و نه شاعر مرتبه دوم ذکر

بیست و سه شاعر و مرتبه سوم ذکر سی و هشت شاعر، رك: بفرست اسامی قائلان ساقی نامها و غیره ص ۹ و ۱۰، گ

جلوس اکبری (یعنی ۹۶۳) وفات یافته بودند، و آنها را با هندوستان هیچگونه ارتباطی نیست، ولی باقیمانده شصت و یک شاعر و آنها هستند که معاصر اکبری یا جهانگیر میباشند، و در میان ایشان سی و شش شاعر هستند که به هندوستان آمده اند، و با دربار اکبری یا جهانگیری یا سلاطین و امرای دکن پیوسته اند، و یازده شاعر از اهل هندوستان و هشت شاعر اهل قزوین و هموطن مؤلف بوده اند، این هفتاد و یک شاعر را مؤلف در سه مرتبه تقسیم کرده است،

**مرتبه اول** ذکر بیست و شش شاعر است که در تاریخ تالیف میخانه داعی حورا لبیک اجابت گفته بودند، اولین کس **نظامی گنجوی** (المتوفی ۶۱۰) است، و آخرین نفر **حکیم فغفور گیلانی** است که بقول مؤلف در ۱۰۲۹ ازین دنیای فانی بملک جاودانی رفته است،

مؤلف نام این شعرا را از لحاظ سنین وفات آنها ترتیب داده است، سوای اینکه **حکیم پرتوی** بتصور او بعد از **امیدی** فوت شده، ولی در ترتیب این کتاب مقدم بر **امیدی** ذکر شده است، بعضی میگویند که پرتوی قبل از **امیدی** فوت شده است، و از شعرای مرتبه اول مؤلف فقط با **شکیبی** ملاقات کرده است،

**مرتبه دوم** درین مرتبه بیست شاعر مذکور شده که ساقی نامه سروده اند، و در وقت تالیف کتاب هنوز در قید حیات بوده اند، غالب شعرای این مرتبه را مؤلف ملاقات کرده است،

**مرتبه سوم** درین مرتبه بیست و پنج شاعر مذکورند که بیشترشان را (و شاید هم در) مؤلف ملاقات کرده است، و این عده کسانی هستند که بقول مؤلف (ص ۷۸۴) نازمان تالیف میخانه ساقی نامه سروده بودند، با این توصیف از سه تن از آنان مؤلف ساقی نامه نقل کرده است،<sup>(۱)</sup> علاوه برین، آثار ضعیف تالیف باز هم درین مرتبه دیده میشود، مثلاً

(۱) نگاه کنید ص ۴۳۱ و ۹۰۵ و ۹۱۷ ش برین تعداد ساقی نامه **دیری کلبلی** (ص ۸۶۵) و ترجیع **احولی سیستانی** (ص ۹۱۰) را باید افزود و در عوض اولی را باید از آن کم کرد، زیرا که مقصود **پروفیسور محمد شفیع** دو بیت ساقی نامه **آقاصفی صفاهاانی** است که در چاپ لاهور بقیه در صفحه بعد

مؤلف میگوید که او باشعرای این مرتبه ملاقات کرده است؛ ولی از چهار نفر شاعر یعنی: نظیری، قدسی، نظر بیگ قمشه‌یی و باقیای نایینی که ترجمه آنها در مرتبه سوم نسخه رامپور درج شده است؛ بجز باقیای بادیگران ملاقات مؤلف مذکور نیست، درین مرتبه که شعراء ذکر شده‌اند، از آنها در وقت تألیف کتاب، بیست نفر زنده و پنج نفر فوت شده بودند،<sup>(۱)</sup> در مرتبه دوم و سوم در ترتیب تراجم مطلب قابل ذکر وجود ندارد.

### خصوصیات ممتاز میخانه

۱- مؤلف حالات شعراء را مفصل‌تر از تذکره‌های دیگر ذکر کرده است، در تراجم اکثر شعراء نکات ذیل را در مد نظر داشته است: نام و نسب و تخلص شاعر، اطلاعات راجع به آباء و اجداد او، قابلیت علمی و مرتبه شعرا او، سیر و سیاحت شاعر، ذکر اینکه در خدمت و ملازمت کدام شاه یا امیر بوده، با مؤلف ملاقات کرده است یا نه، ذکر اینکه اطلاعات و معلومات درباره زندگی شاعر را از خود او یا از دوستان و کسان او بدست آورده است، ذکر اینکه در وقت ملاقات با مؤلف سن شاعر در چه حدود بوده، دیوانی ترتیب داده بوده یا نه، تفصیل منظومات شاعر با ذکر تعداد ابیات او، و بیان اینکه آیا آن منظومات را دیده است یا خیر، تاریخ وفات شاعر، مدفن شاعر، نمونه ساقی نامه یا کلام منظوم دیگر شاعر.

مانده از صفحه قبل

در مرتبه سوم مندرجست؛ در آنجا نخست مؤلف میگوید که «الحال در خدمت آن خان عالیشان (۵۰۰ پنهان) در صوبه کابل است» و بعد مینویسد «ساقی نامه نامی فریب بچهل بیت داشت باین ضعیف داد، آن اشعار در بلده پتینه باخانه مؤلف سوخت، این دو بیت از آن ابیاتست» و از اینکه در نسخه‌های مترجمه آقاصفی در مرتبه نخستین کتاب قرار گرفته و تعداد ابیات ساقی نامه اش ۸۵ بیت است، و بخصوص اینکه مؤلف نوشته است که «در سنه ثمان عشرین و الف در شهر مذکور (کابل) از ساغر مرگک بشعور گردید، چنین معلوم میشود که آقاصفی بعد از ملاقات با مؤلف میخانه (در ۱۰۲۶) ساقی نامه چهل بیتی خود را بهشتاد و پنج بیت افزایش داده است و مؤلف نیز بعد از ختم کتاب ساقی نامه کامل و تاریخ فوت ویرا بدست آورده و ناچار جای ترجمه او را از مرتبه سوم کتاب به مرتبه اول تغییر داده است، و ما در ذیل صفحه ۴۳۱ اشتباهاً بجای مرتبه ثالث، مرتبه ثانی نوشته‌ایم، گ

(۱) یعنی نظیری، حیاتی کیلانی، حریفی، محوی و رامی، ش

کمتر تذکره‌ی دیده می‌شود که مؤلف آن این اهتمام را برای ضبط احوال شعرا کرده باشد،

۲- مؤلف حالات شعرا را از مأخذ صحیح و مستند گرفته است،

مؤلف تحقیق دقیق را همیشه منظور نظر داشته<sup>(۱)</sup> در تمهید مقدمه ثانی (ص ۴۷۴ س ۱۱) او می‌گوید که حالات شعرای مرتبه اول میخانه را «از روی اسناد ارباب خرد و از قول مردم معتبر» نقل کرده است، و در مرتبه دوم شعرائی را که دیده است، حالات آنان از قول خودشان نقل شده، و با آنانکه ملاقات نکرده است، حالات آنان را از عزیزان و دوستان ایشان گرفته و مندرج ساخته است. او با اکثر<sup>(۲)</sup> شعرای مرتبه سوم (و شاید همه آنها) شخصاً ملاقات کرده است، همانطور که در صفحه (ص ۷۸۴) می‌گوید ما می‌توانیم چنین فرض کنیم که خود شعرای آن مرتبه مأخذ ذکر احوالات خودشان هستند که در کتاب مندرجست،

مؤلف در میخانه بـمـآخذ خود جا بجا اشاره کرده است، اگر چه در همه جا تصریح نشده، در بیان حالات شعرائی که پیش از عهدا کبری بودند، او در نه مقام از کتاب مخزن اخبار تألیف میرمختار مواد حاصل کرده است،<sup>(۳)</sup> ولی من از مخزن اخبار و مؤلف آن خبری ندارم، ولی از توافق بعضی عبارات معلوم می‌شود که تحفه سامی تألیف سام میرزا و نفائس المآثر تألیف علاءالدوله قزوینی در دست ملا عبدالنبی بوده، (نگاه کنید میخانه بذریعه فهرست سوم) همینطور تذکره دولت‌شاه<sup>(۴)</sup> جواهر الاسرار آذری، بهارستان و نفحات الانس جامی<sup>(۵)</sup> هم گاهگاه مورد استفاده مؤلف شده است،

(۱) نگاه کنید میخانه ص ۱۸۱ س ۱۰ آنجا که خود را «محقق اخبار» می‌گوید، ش

(۲) مؤلف نسبت به نظری، قدسی و نظر بیگ صریحاً نوشته است که با آنان ملاقات کرده

است، ش

(۳) حواله آخری در احوالات امیدی است، نگاه کنید ص ۱۴۴ س ۱، ش

(۴) میخانه ص ۱۱۴، ش

(۵) ایضاً میخانه ص ۶۲، ۶۵ و ۵۷، ش

مؤلف از دیباچه‌های دیوان هم استفاده کرده است؛ مثلاً دیباچه دیوان عراقی (میخانه ص ۲۹س ۹) دیباچه غرةالکمال (میخانه ص ۶۱س ۱۰) دیباچه دیوان حسین ثنائی (میخانه ص ۱۹۹س ۲۰) و دیباچه دیوان فیضی (میخانه ص ۲۴۷س ۹) بعضی جاها و از کلام شعراء بحالات آنان و معاصرانشان پی برده است، مثلاً نگاه کنید بذیل اقلسی ص ۲۳۷ و میرزاغازی ص ۲۹۰ و صحیفی ص ۳۱۶ و غیره، نیز نگاه کنید ص ۵۷۱ و ص ۶۲۹ و غیرها من المواضع؛

مؤلف بعضی حالات شعرای ذیل را از آنها صراحتاً تحقیق و مندرج کرده است؛ شکیبی (ص ۳۰۳س ۳) محمد صوفی (ص ۴۷۶س ۱۷) شاپور رازی (ص ۵۳۹س ۱۴) عارف ایگی (ص ۶۲۹س ۱۹) و صلی (ص ۶۶۹س ۴) کامل جهرمی (ص ۷۰۵س ۳) عسکری کاشانی (ص ۷۲۰س ۱۴)

علاوه بر این مؤلف با حکیم رکنه و مرشد بروجردی در ملازمت مه‌بابتخان بوده و برای مدت یکسال یا بیشتر با آنان بسر برده است،

بنابر این باسانی فرض میشود که حالات آنان و طالب آملی (ص ۵۴۸س ۳) ملکی (ص ۶۸۷س ۱) فزونی (ص ۶۷۴س ۶) اوجی (ص ۷۳۳س ۱۰) و حالات اکثر یاتمام شعرای مرتبه سوم را از خودشان گرفته باشد،<sup>(۱)</sup>

مؤلف حالات شعرای ذیل را از اقربا و دوستان یکجهدت و شاگردان و خادمان ایشان تحقیق کرده و نوشته است: وحشی (میخانه ص ۱۸۱س ۱۰) عرفی (ص ۲۱۷س ۱) غیاثا (ص ۲۸۱س ۶) سنجر (ص ۳۲۳س ۱۹) ملک قمی (ص ۳۵۲س ۴) فرقتی

---

(۱) از انداز بیان مؤلف جابجا ظاهر میشود که کلام منظوم اکثر شعراء را که تراجم آنها را نوشته است، کلاً یا جزئاً دیده است، ولی در موارد ذیل صریحاً ذکر این معنی شده است که: من کلام منظوم آنان را دیده‌ام: ص ۱۲۶س ۹ دیوان پرتوی (نقل قول مؤلف مخزن اخبار است گ) ص ۱۴۳س ۳ (دیوان امید) ص ۱۵۴س ۵ (نسخه دیوان شرف که خود شاعر نوشته است) ص ۱۷۳س ۹ (منظومات قاسمی از اول تا آخر) ص ۱۸۳س ۱ (کلیات وحشی) ص ۵۷۶س ۵ (دیوان فصیحی) ص ۶۶۲س ۵ (دیوان دوستی (ص ۲۹۴س ۱) دیوان نظیری از اول تا آخر) نیز نگاه کنید ص ۱۱۹س ۳ (هاتفی) و ص ۳۲۴س ۱۷ (سنجر) ش

(ص ۴۱۶ س ۵) فغفور (ص ۴۵۴ س ۶) صوفی (ص ۴۷۶ س ۱۷) فصیحی (ص ۵۷۱ س ۹) دوستی سمرقندی (ص ۶۶۱ س ۴) غروری (ص ۶۹۲ س ۵)

درینجا اینرا هم باید گفت که بیانات مؤلف با مندرجات **توزک جهانگیری** در ذکر نقل و حرکت **جهانگیر** و امراء او در سنین و مقامات خاص که باشاه بودند، مطابقت کامل دارد، همانطور که جابجادر حواشی ذکر شده است، و ازین صحت بیانات مؤلف بثبوت میرسد،

### ۳- سلاست بیان مؤلف

مؤلف تراجم شعرا را با زبان سلیس و صاف بیان کرده است، و از تکلفات منشیانه دوری جسته است،

۴- مؤلف هزارها اشعار فارسی را در میخانه محفوظ کرده است،

علاوه بر اشعار متفرقه **ملا عبدالنبی سی و دو ساقی نامه**<sup>(۱)</sup> و متن پنج ترجیع یا ترکیب بند را با تفصیل درج کرده است، و اقتباسات پنج ساقی نامه دیگر را بدست داده است<sup>(۲)</sup>، چون او با اکثر شعرا قریب العهد یا معاصرست، بنابراین هزاران اشعار آنان با روایات صحیح و معتبر و مضبوط، محفوظ مانده است، اندازه صحت این قول ازین بر میآید که متون متعدد ساقی نامه سوای صفحات میخانه، هیچ جادر نظر نمی آید،

۵- تراجم بعضی شعرا را بجز میخانه در دیگر جا ندیده ام (بجز دوستی سمرقندی<sup>(۳)</sup>)

---

(۱) مؤلف از ساقی نامه ها در بعضی جاها اشعاری را حذف کرده است، مثلاً ساقی نامه محمد صوفی بقول **حاجی خلیفه** (طبع قسطنطنیه ج ۲ ص ۱۸) مشتمل بر دو بیت و هشتاد و پنج بیت بوده، مؤلف میخانه فقط ۲۱۸ بیت نقل کرده است، از ساقی نامه **ظهوری** فقط ۸۴۳ شعر نقل کرده است، اگرچه بقول **ریو** (ص ۱۱۶۲۹) این ساقی نامه مشتمل بر چهار هزار و پانصد شعرست، اگرچه حاجی خلیفه (موضع مذکور) تعداد ابیات را ۸۰۵ میگوید، که نزدیک بقدر میخانه است، تفصیل بسیار در حواشی مختلف ساقی نامه ها درجست رجوع کنید بحواشی، این نیز قابل ذکرست که اگرچه عموماً بعضی اشعار را حذف کرده است، ولی تعداد ابیات ساقی نامه **حافظ** در میخانه بیش از تعداد بیت که حاجی خلیفه ذکر کرده است، یعنی او ۱۵۷ بیت ذکر کرده و حاجی خلیفه تعداد آنها را ۱۲۹ میگوید، ش

(۲) رجوع شود بمقدمه اول، اضافات و مزایای چاپ حاضر، گ

(۳) در نسخه مکسی عرفات که بنده در دست دارم ترجمه دوستی سمرقندی مذکور نیست ولی در مآثر رحیمی بتفصیل ذکرش آمده است، رک: میخانه ذیل صفحه ۶۶۲، گ



و درویش جاوید که تراجم آنها فقط در عرفات اوحدی آمده ، و بجز مؤلف که احوالش در تاریخ محمدشاهی ذکر شده است) از قبیل: دوستی سمرقندی، وصلی، ملکی قزوینی، عسکری کاشانی ، صفائی تبریزی، حریفی مصنف، میر عبداللّه مژه، ضیائی موشحی، رامی، درویش جاوید، مؤلف،

مؤلف احوال شعرائی را هم که شهرت کمی داشته‌اند نسبتاً بتفصیل ذکر کرده است، خصوصاً احوال شعرای مندرجۀ ذیل را: پرتوی، غیاثا، شاپور رازی، فزونی استرآبادی، غروری کاشی، کامل جهرمی، اوجی کشمیری، شراری همدانی، موزون‌الملک، (ازین تعداد آنها که نامشان با حروف درشت چیده شده، خوشگو در سفینه خود احوالشان را بیشتر از دو یا چهار سطر نداده است،<sup>(۱)</sup>

#### ۶- تفصیلات راجع بقدردانی شعراء

مؤلف قدردانی شاهان و امراء معاصر ایران و هند و دکن را از شعر و شعراء بیواسطه و یا با واسطه ذکر کرده است،

در اینجا اینهم باید نوشت که از میخانه واضح میشود که در آن زمان ایرانیها شوقی وافر بسفر هند داشته‌اند، مؤلف در ص ۲۵۸ س ۱۳ مینویسد: این مثل میان عالمیان اشتها سرشاری دارد که هر کس بکنوبت گشت هند نمود و بهره ازین ملک فیاض برداشت، وقتی که به ایران رفت، اگر در راه این سرزمین را این بلاد نمیرد، البته در آرزوی این خاک مراد میمیرد»

وقتی که مؤلف به مشهد رفته و در آنجا اقامت داشته، نسبت بآن ایام مینویسد:

---

(۱) اطلاعات بیشتری که ما از ماخذ مختلف درباره این عده از شعراء بدست آورده‌ایم در ذیل تراجم ایشان بشرح ذیل مذکور داشته‌ایم: ۱- پرتوی ص ۱۲۶: (مجالس النفائس، تحقیق سامی، هفت اقلیم، عرفات، ریاض الشعراء، آشکده، تذکره حسینی، شمع انجمن، طرائق الحقائق، قاموس الاعلام) ۲- غیاثا ص ۲۸۱: (عرفات) ۳- شاپور رازی ص ۵۳۶: (مجمع الخواص، عرفات) ۴- فزونی استرآبادی ص ۶۲۴: (عرفات) ۵- غروری کاشی ص ۶۹۲: (عرفات، مآثر رحیمی، مقالات الشعراء) ۶- کامل جهرمی ص ۷۰۴: (عرفات، مآثر رحیمی) ۷- اوجی کشمیری ص ۷۳۳: (عرفات) ۸- شراری همدالی: (عرفات، مآثر رحیمی) ۹- موزون‌الملک ص ۸۱۸: (عرفات، مآثر رحیمی) گ